

جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در روایات ائمه اطهار □

دکتر حمید محمدقاسمی*

چکیده

از جمله شیوه‌های بدیع و کارآمدی که اهل بیت □ در راه ابلاغ پیام الهی به مخاطبان خود از آن بسیار بهره‌جسته‌اند، تجسم بخشیدن معارف توحیدی و حقایق دینی در قالب‌هایی زنده و گویاست. ائمه اطهار □ با بهره‌گیری از شیوه مجسم ساختن معانی، معارف بلند و ژرفی را در سطح فهم همگان تنزل بخشیده و با ترسیم زنده و زیبای آنها به خلق صحنه‌های بدیع و شگفتی پرداخته‌اند که چشم‌ها را به خود خیره می‌کند و عواطف را برمی‌انگیزد. در این نوشتار، تلاش گردیده تا به جلوه‌هایی از این هنر بدیع - که در لابه لای کلمات ائمه هدی □ تجلی یافته - اشاره شود. کلید واژه‌ها: تصویر، تجسیم، تشخیص، تخیل.

درآمد

ورود به سرزمین روح آدمیان و ایجاد انقلاب فکری و ارزشی در انسان‌ها نیازمند ابزارهایی کارآمد و هنرمندانه است که در این میان ابزار تصویرآفرینی و ارائه مفاهیم اعتقادی و اخلاقی و تربیتی در قالب‌هایی محسوس و ملموس، نقشی مؤثر و بی‌بدیل در درک این حقایق و مفاهیم ایفا می‌کند و تا ژرفای جان آدمی نفوذ نموده و در زوایای پنهان روح مأوی می‌گزیند. از آنجا که رسالت اصلی ائمه هدی □ ابلاغ پیام الهی به بندگان خدا بود و آنان آشنا‌ترین افراد به مقتضیات زمان خود و ویژگی‌های مخاطبان خویش بودند، همواره از تمامی ابزارها و شیوه‌های کارآمد برای ایجاد تحول روحی و درونی افراد بهره می‌جستند تا آنان را به سرچشمه هدایت رهنمون سازند و از آب زلال حقیقت و معرفت سیرابشان نمایند. یکی از جمله شیوه‌های بدیع و کارآمدی که اهل بیت □ برای نیل به این مقصود از آن بهره‌هایی فراوان برده‌اند، تجسم بخشیدن معارف توحیدی و حقایق دینی در قالب‌هایی زنده و گویا و پویاست.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی.

آن امامان هم‌گام با کلماتی به ظاهر ساده و بی‌جان، چنان پرده‌هایی زنده و زیبا و تابلوهایی نفیس را در پیش روی مخاطبان به نمایش گذارده‌اند که پس از سپری شدن قرن‌های متمادی هنوز جذابیت خود را حفظ نموده‌اند و هر یک از تصاویر و صحنه‌های چشم‌نواز آن افق‌های تازه‌ای را در پیش روی اندیشه و خیال آدمی می‌گشایند و پای روح انسان را به عالمی زنده و پر نشاط می‌گشایند. ما در لا به لای سخنان ائمه اطهار^۱ شاهد تشبیهات نغز و تمثیلات بدیع و استعارات بی‌بدیل و کنایات شگفت و دیگر جلوه‌های ادبی و هنری هستیم که در قالب آنها معارف ژرف به روشی گویا و مجسم به تصویر در آمده‌اند و موضوعات معنوی و روحی و حالات نفسانی جان‌گرفته‌اند و بر پرده نمایش حاضر گردیده‌اند.

تعریف تصویر

تصویر، در لغت، به معنای صورت و شکل قرار دادن برای چیزی یا نقش و رسم نمودن چیزی است.^۱ تعریف گوناگونی از گذشته تاکنون، برای مفهوم اصطلاحی «تصویر» و «تصویر آفرینی» ارائه گردیده،^۲ که در هر کدام از زاویه‌ای خاص به این موضوع جالب توجه نگریسته شده است. اندیشمند غربی، «ون»^۳ در تعریف تصویر می‌گوید:

تصویر کلامی غنی است که بیش‌تر از عناصری محسوس تشکیل شده و در بردارنده فکر یا احساسی است و بر چیزی بیش از معنای ظاهری کلام دلالت دارد.^۴

و نیز گفته‌اند:

تصویر (ادبی) هر نوع آرایه کلامی به شکل‌هایی از نوع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و مانند آنهاست که به منظور ایجاد صورت‌های ذهنی و انگیزش عاطفه به کار می‌رود.^۵

برخی نیز «تصویر» را در مباحث ادبی به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی اطلاق نموده‌اند که گوینده با کلمات تصویر می‌کند و نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده به وجود می‌آورد.^۶ شاعر انگلیسی، «سی دی لوئیس» در ساده‌ترین توصیف «تصویر» را: «تابلویی ساخته شده از جنس کلمات» می‌داند.^۷

او معتقد است که تشبیه یا استعاره می‌تواند یک «تصویر» بیافریند، اما در عین حال، برخی تعبیر توصیفی را می‌توان سراغ گرفت که بدون چنین عناصری نیز قدرت خلق تصاویری با شکوه و خیرکننده را دارد.^۸ یکی دیگر از محققان در تعریف «تصویر» می‌گوید:

1. فرهنگ لغت دمخدا، ج 4، ص 5933.

2. مولف کتاب: *الصورة الفنية في المثل القرآني* (از ص 21 تا 36) به طور جامع به ارائه تعاریف گوناگون قدما و معاصران از مفهوم «تصویر» پرداخته و آن‌گاه، به نقد و مقایسه آنها با یکدیگر مبادرت ورزیده است.

3. Van.

4. تمهید في النقد الحديث، ص 192.

5. فرهنگ بزرگ سخن، ج 3، ص 1766.

6. فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص 139.

7. *The Poetic image*. Page 25. به نقل از: *التصوير الفني في الحديث النبوي*، ص 489.

8. همان.

تصویر ادبی، به معنای به کار گرفتن سخن، به گونه‌ای خاص است که در آن معانی و مفاهیم به روش جدید و ابتکاری تجسم می‌یابند و حتی به اشکالی قابل رویت جلوه‌گر می‌شوند و در حقیقت، در این گونه موارد، سخن از قالب تنگ خود خارج شده و به عالمی زنده و پر نشاط پا می‌گذارد.⁹

و به تعبیری ساده و کوتاه می‌توان گفت: «تصویر یعنی پرده برداری از معانی با تعبیری زنده و احساس برانگیز».

از آنچه گفته شد، به خوبی روشن می‌شود که «تصویر» در حوزه ادبیات با تصویر در حوزه‌های هنری تجسمی و نمایشی تفاوت دارد؛ چرا که ابزار تصویرگری در حوزه ادبیات، همان الفاظ و عبارات هستند و نه قلم و رنگ و عکس؛ هر چند الفاظ، گاه به تنهایی، می‌توانند چنان صحنه‌های زنده و بدیعی را خلق نمایند و پنجه در احساسات مخاطب افکنند که هیچ تابلوی نقاشی و یا فیلم مصوری از عهده نقش آن بر نخواهد آمد که نمونه‌هایی از آن را به وضوح می‌توان در سخنان ائمه هدی □ مشاهده نمود.

تصویرگری در روایات ائمه اطهار □

یکی از جنبه‌ها و جلوه‌های زیبای سخنان اهل بیت □ - که باعث جذابیت بخشیدن به کلامشان گردیده و اثر کلامشان را دو چندان نموده است - بهره جستن آن امامان همام از روش تصویرگری است. ائمه هدی □ با استفاده از این شیوه بدیع و جذاب، معانی و مفاهیمی چند را از دایره تنگ الفاظ خارج نموده و آنها را به صورت تصاویری زنده و پرتحرک در برابر دیدگان مخاطب به نمایش گذارده‌اند. در سخنان اهل بیت □ گاه، شاهد تعبیری هستیم که در آنها موضوعات و مفاهیم گوناگون در لباس محسوسات و به شیوه‌ای زنده و مجسم عرضه گردیده‌اند؛ به گونه‌ای که این شیوه القایی آنان به هنر نقاشی از طریق کلمات بیشتر شباهت دارد تا به سخنرانی و خطبه‌سرایی.

این ویژگی در برخی سخنان و کلمات قصار ائمه اطهار □ تبلور خاصی یافته است؛ به گونه‌ای که دریایی از معانی در قالب کلماتی موجز و آکنده از حرکت و پویایی آنان موج می‌زند و به راستی آن را باید مصداق واقعی بحر در کوزه دانست.

اهل بیت □ با بهره جستن از تشبیهاتی نغز و تمثیلاتی بدیع و استعاراتی شگفت و توصیفاتی دقیق و همچنین با استفاده از سایر روش‌های تصویر آفرینی، تابلوهای زنده و با شکوهی را در پیش روی مخاطبان خود به نمایش گذاشته‌اند که در پشت هر تصویرش قدرت ابتکار و نیروی خلاق و تخیل گسترده تصویرگر چنین صحنه‌های شگفتی به روشنی جلوه‌گر است.

نگاه دقیق و عمیق ائمه هدی □ به اشیا و پدیده‌های عالم هستی سبب شده است که آنان روابط شگفتی بین اشیا و امور بیابند؛ روابطی که معمولاً از چشم دیگران پنهان است و همین امر سبب گردیده تا تعبیر و تصاویر آنان را با سایرین متمایز سازد.

9. الصورة الشعرية، ص 3، به نقل از: الصورة الفنية في الحديث النبوي الشريف، ص 90.

در تصویرهای بی‌نظیر و کاملاً ابتکاری اهل بیت □ از انواع جلوه‌های گوناگون طبیعت گرفته تا امور نفسانی و حالات روحی و درونی افراد تا مفاهیم دینی و اعتقادی و سایر موضوعات، می‌توان نمونه‌های بدیع و جالب توجهی را سراغ گرفت که وسعت قلمرو این تصاویر و عمق اندیشه‌های هر یک آدمی را به تعجب و حیرت وامی‌دارد.

در تصاویر بدیع پیشوایان دین، برخلاف تصاویر شعراء، از کمند گیسو و غنچه لب و شمع و گل و پروانه و مانند آن خبری نیست، بلکه تصویرهای آنان برگرفته از حقایق است که با زندگی انسان‌ها و سرنوشتشان پیوندی ناگسستنی دارد و در صلاح و فلاح آنان نقشی بسزا ایفا می‌نماید. بدین ترتیب، تصویرگری در تعابیر اهل بیت □ صرفاً یک آرایش کلامی و یا اسلوبی تفننی و تصنیعی نیست، بلکه این شیوه ابزاری برای انتقال هر چه بهتر و مؤثرتر پیام الهی به مخاطبان و سوق دادن آنها به سوی ارزش‌های اخلاقی و کمالات معنوی است.

اقسام تصویرآفرینی در روایات ائمه اطهار □

تصویر در روایات اهل بیت □ بر پایه سه اصل استوار است:

1. تجسیم

تجسیم در اصطلاح، به معنای صورت جسمانی دادن به امور معنوی و غیرمادی است. یا به عبارت دیگر، امور مجرد را به صورت مادی و محسوس و ملموس شناسانیدن و لباس مادی بر اندام آنها پوشانیدن است.¹⁰ این شیوه در معرفی امور مجرد و انتزاعی، بویژه آن هنگام که شناساندن آنها به دیگران با دشواری مواجه می‌شود، نقش موثر و بسزا ایفا می‌نماید و این روش، در واقع، با میل بشر به محسوساست کاملاً منطبق است و می‌خواهد تا آدمی را به نوعی از ورطه امور مخفی و دور از دسترس برهاند.¹¹ از این مسکویه نقل شده است که می‌گوید:

سرآغاز علوم و دانش‌های ما حواس است و از همین راه است که علوم، گسترش می‌یابد. هنگامی که برای انسان از چیزی خبر می‌دهند که برایش قابل درک نیست و یا از چیزی سخن به میان می‌آورند که به عمرش مشاهده ننموده و برایش غریب است، او نمونه‌ای از امور محسوس را طلب می‌کند که اگر چنین چیزی در اختیارش گذاشته شود، فهم آن حقیقت برایش هموار می‌گردد و به آن انس می‌یابد.¹²

به هر حال، «تجسیم» تلاشی است برای تقریب مفاهیم و حقایق غیرمادی به ذهن و ابزاری است برای آشنایی بشر با آنچه که در حوزه مشهودات او نمی‌گنجد. سخنان ائمه اطهار □ سرشار از تعابیری است که در آنها برای تبیین حقایق دینی و معارف الهی و برای آشکار ساختن امور روحی و معنوی و پرده برداری از حالات و روحیات انسان‌ها از اصل تجسیم استفاده شده است که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌داریم.

10. *التصویر الفني في القرآن*، ص 61.

11. *الصورة الفنية في الحديث النبوي الشريف*، ص 412-413.

12. *الهوامل والشوامل*، ص 240؛ به نقل از: *الصورة الفنية في الحديث النبوي الشريف*، ص 413.

الف. تجسم بخشیدن به حقایق دینی

در سخنان ائمه هدی □ حقایق دینی بسیاری را می‌توان سراغ گرفت که با توصیفات مادی و محسوس و در قالب‌هایی زنده و مجسم به نمایش درآمده‌اند:

- «کلمه توحید» در نقش جسمی مادی و تیری شکافنده مجسم گردیده که گناهان و بدی‌ها را می‌شکافد و آنان را یک به یک نابود می‌سازد.^{۱۳}

- «دین» همچون جسمی ترسیم گردیده که دارای ابعاد و حجم است و می‌تواند نازک یا درشت باشد!^{۱۴}

- «تقوا» همانند پیراهنی مجسم شده، که زینت بخش آدمی است و هرگز هم کهنه نمی‌شود.^{۱۵}

- «طاعت الهی» در نقش ابزاری قوی و مستحکم برای رزم به نمایش درآورده که در پیکار با شیطان و هوای نفس بسیار کارآمد است.^{۱۶}

- «خوف الهی» در نقش جامه‌ای زیننده برای عارفان مجسم گردیده است.^{۱۷}

- «دعا» همانند سپری محافظ ترسیم شده که مومن را از شر تیرهای بلا مصون می‌دارد.^{۱۸}

- و در صحنه‌ای دیگر، «دعا» را همچون سلاحی کارآمد که در اختیار انبیا قرار گرفته، مشاهده می‌کنیم.^{۱۹}

- «تقیّه» به صورت سپری به تصویر درآمده که مؤمن در پناه آن از گزند حوادث مصون می‌ماند.^{۲۰}

1.3. علی □: ما من عبد مسلم يقول لا اله الا الله الا صدت تخرق كل سقف لا تمر بشيء من سيئاته الا طلستها حتى تنتهي الى مثلها من الحسنات فتقف؛ هیچ بنده ی مسلمانی نیست که بگوید: خدایی جز الله نیست، مگر آن که این سخن فراز آید و هر سقفی را بشکافد، بر هیچ یک از بدی‌های او نمی‌گذرد جز آن که آن را نابود می‌سازد تا آن که به نیکی‌های او می‌رسد و آنجا آرام می‌گیرد. (التوحيد، ص 21؛ ثواب الاعمال، ص 3؛ مكارم الاخلاق، ص 310؛ وسائل الشيعة، ج 7، ص 210؛ بحار الانوار، ج 90، ص 195)

1.4. علی □: عليكم بالصفيق من الثياب فان من رق ثوبه رق دينه؛ بر شما باد به لباس ضخیم؛ زیرا کسی که لباسش نازک باشد، دینش هم نازک است. (تحف العقول، ص 113؛ الخصال، ج 2، ص 622؛ وسائل الشيعة، ج 4، ص 389؛ بحار الانوار، ج 80، ص 184)

1.5. علی □: من تسربل اثار التقى لم يبل سرباله؛ هر کس پیراهن تقوا در تن کند، آن پیراهن کهنه نگردد. (شرح غرر الحكم، ج 5، ص 422)

1.6. علی □: الطاعة احرز عتاد؛ طاعت حق تعالی و فرمان‌برداری او محکم‌ترین ابزارهای رزم است. (شرح غرر الحكم، ج 1، ص 132)

1.7. علی □: الخوف جلاب العارفين؛ ترس از خدای - عزوجل - جامه (پیراهن) عارفان است. (شرح غرر الحكم، ج 1، ص 175)

1.8. علی □: الدعاء ترس المومن؛ دعا سپر محافظ مومن است. (الكافي، ج 2، ص 468؛ وسائل الشيعة، ج 7، ص 26؛ عتة الداعي، ص 16)

1.9. عن الرضا □: انه كان يقول لأصحابه: عليكم بسلاح الانبياء فليل؛ و ما سلاح الانبياء؟ قال: الدعاء؛ امام رضا □ به اصحاب خود می‌فرمود: بر شما باد به سلاح انبیا! پرسیدند: سلاح انبیا چیست؟ امام فرمود: دعا. (الكافي، ج 2، ص 468؛ مكارم الاخلاق، ص 270؛ عوالي اللآلي، ج 4، ص 19؛ وسائل الشيعة، ج 7، ص 39؛ بحار الانوار، ج 90، ص 295)

2.0. امام باقر □: ان التقية جنة المؤمن؛ تقیه سپر مومن است. (الكافي، ج 2، ص 220؛ المحاسن، ج 1، ص 258؛ جامع الاخبار، ص 96؛ تحف العقول، ص 307؛ وسائل الشيعة، ج 16، ص 204؛ بحار الانوار، ج 72، ص 432)

- «قضا و قدر»، در جنبه اعتقادی، در نقش دریایی عمیق و مواج ترسیم گردیده که ورود به آن بدون آمادگی لازم منجر به هلاکت آدمی می‌گردد.^{۲۱}

- و در تصویری دیگر، «قضاء و قدر» همچون مسیری تاریک و ظلمانی به نمایش گذاشته شده که بیمودن آن بدون چراغی فروزان باعث گمراهی می‌شود.^{۲۲}

ب. تجسم بخشیدن به حالات روحی انسان‌ها

در روایات اهل بیت □ می‌توان تصاویر زنده و تابلوهای بدیعی را سراغ گرفت که در نهایت دقت و ظرافت تمایلات و حالات روحی انسان‌ها را به نمایش گذارده‌اند و ژرفای دل آنان را عمیقاً کاویده و تاریک‌ترین زوایای روح بشر را آشکارا به تصویر در آورده‌اند.

در این تابلوها صفات و عادات انسان‌ها با مهارت زایدالوصفی در قالب‌هایی زنده و مجسم به تصویر درآمده‌اند و صحنه‌های شگفتی از عالم پنهانی و اسرارآمیز درون انسان‌ها را در اشکال زنده به نمایش گذارده‌اند. در اینجا تنها به ذکر نمونه‌های اندکی از این گونه تعابیر مصور اکتفا می‌کنیم:

- «آرزوها» در نقش مرکبی تصویر گردیده‌اند که هر کس بر آن سوار شود، به زمینش می‌زند.^{۲۳}
- «غفلت» همچون پرده‌ای مجسم گردیده که میان دل انسان و پند و موعظه حایل می‌گردد و مانع از پندپذیری آدمی می‌گردد.^{۲۴}

- «عجله و شتاب» را در نقش اسبی چموش مشاهده می‌کنیم که سواره‌اش در هر لحظه در معرض افتادن از آن است.^{۲۵}

- حسودی که «حسادت» خویش را پنهان می‌دارد، همچون زنبور عسلی که از دهان دوا می‌ریزد، اما در درون بیماری را نهان می‌دارد، تصویر گردیده است.^{۲۶}

- «گشاده رویی» در نقش کمندی که با آن دل‌ها را صید می‌کنند، مجسم شده است.^{۲۷}

21. قال امیرالمؤمنین □: لرجل قد سأله عن القدر، فقال: بحر عمیق فلا تلجه، ثم سأله ثا نية. فقال: طریق مظلم فلا تسلکه... ؛ علی □ به مردی که درباره قدر پرسیده بود، فرمود: دریای عمیقی است، پس در آن وارد مشو. آن مرد دوباره سوال کرد و امام □ فرمود: راهی است تاریک و ظلمانی در آن گام مگذار... (بحار الانوار، ج 5، ص 110؛ التوحید، ص 365؛ روضه الواعظین، ج 1، ص 40)

22. همان.

23. علی □: من ركب هواه زل؛ هر که بر مرکب آرزویش سوار شود، می‌لغزد. (شرح غرر الحکم، ج 2، ص 627)

24. علی □: بینکم و بین الموعظه حجاب من الغفلة و الغرة؛ میان شما و میان پند و موعظه پرده‌ای از غفلت و غرور اوخته است [آن پرده را پاره کنید و دل را از بی خبری برهانید]. (شرح غرر الحکم، ج 1، ص 345)

25. علی □: راکب العجلة مشرف علی الكبوة؛ آن که بر اسب عجله و شتاب سوار است، مشرف بر بهرو افتادن است. (شرح غرر الحکم، ج 1، ص 420)

26. علی □: الحاسد المبطن للحسد، كالنحل یجم الذواء و یبطن الداء. (شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 290)

27. علی □: البشاشة حباله المودة؛ گشاده‌رویی کمند دوستی است. (غرر الحکم، ج 34، ص 434؛ مشکوٰه الانوار، ص 223؛ مجموعه ورام، ج 1، ص 31؛ اعلام الدین، ص 108؛ بحار الانوار، ج 66، ص 408)

ج. تجسّم امور روحی و معنوی

از جمله مواردی که در آنها امور روحی و غیرمادی در قالب‌هایی محسوس و عینی مجسّم گردیده و تصاویری زنده و جذّاب را به نمایش گذارده‌اند، می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره داشت:

- «علم» را نقش لباسی مشاهده می‌کنیم که عیوب آدمی را می‌پوشاند.^{۲۸}
- در تصویری دیگر، «علم» همچون صندوقی مجسّم گردیده که قفلی بر آن نهاده شده و کلید آن سؤال است.^{۲۹}

- «حکمت» همانند درختی به تصویر درآمده که در دل می‌روید و میوه آن بر زبان آشکار می‌شود.^{۳۰}
- «عقل» به جامه نو و تازه‌ای همانند گردیده که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود.^{۳۱}
- «نفس» و روح آدمی در نقش مرکبی به نمایش گذاشته شده که اگر بیش از ظرفیتش بر آن حمل کنند، هلاک می‌شود و اگر با آن مدارا کنند، قابل بهره‌مندی خواهد بود.^{۳۲}
- و «قلب» و روح را همچون کتابی می‌بینیم که اندیشه‌های آدمی بر آن ثبت می‌گردد.^{۳۳}

د. تجسّم بخشیدن مفاهیم و موضوعات گوناگون

در میان روایات ائمه اطهار □ می‌توان شاهد انواع موضوعات و مفاهیم گوناگونی بود که در لباسی از محسوسات ارائه گردیده‌اند و در برابر مخاطب به شیوه بدیعی مجسّم گردیده‌اند که از جمله آنها می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره داشت:

- «فتنه‌ها» به موج‌های متلاطم دریایی خروشان مانند گردیده‌اند که دائماً بر هم می‌غلطند و لحظه‌ای از تلاطم باز نمی‌ایستند.^{۳۴}
- «باطل» همچون مرکبی به تصویر درآمده که انسان را شتابان به سوی خانه پشیمانی حرکت می‌دهد.^{۳۵}

28. علی □: من كساه العلم ثوبه اخفى عن الناس عيبه؛ هر که را جامه دانش در تن باشد، عییش از مردم پوشیده می‌ماند. (تحف العقول، ص 215؛ بحار الانوار، ج 75، ص 54)
29. امام صادق □: أن هذا العلم عليه قفل و مفتاحه المسألة؛ این علم بر آن قفلی نهاده شده و کلید آن سؤال است. (الكافي، ج 1، ص 40؛ بحار الانوار، ج 1، ص 198؛ منية المرید، ص 175)
30. علی □: الحكمة شجرة تثبت في القلب و ثمر على اللسان. (شرح غرر الحكم، ج 2، ص 106)
31. علی □: العقل ثوب جديد لا يبلى. (شرح غرر الحكم، ج 1، ص 43)
32. علی □: ان نفسك مطيتك ان اجهدتها قتلتها و ان رفقت بها ابقيتها؛ همانا نفس تو مرکب توست. اگر آن را به مشقت‌اندازی، نابودش می‌کنی و اگر با آن مدارا کنی، زنده‌اش نگه می‌داری. (غرر الحكم، ص 232)
33. علی □: القلب مصحف الفكر. (شرح غرر الحكم، ج 1، ص 36)
34. علی □: وضع الله في هذه الامة خمس فتن: فتنه عامة ثم فتنه خاصة ثم فتنه خاصة ثم فتنه خاصة ثم فتنه خاصة؛ فتنه عامه، سپس فتنه خاصه، سپس فتنه خاصه و آن‌گاه، فتنه‌ای که امواج آن همچون امواج دریاهاست و مردم همچون چهارپایان گردند، پدید آید. (المصنف، ج 8، ص 599؛ فتح الباری، ج 13، ص 40؛ معجم احادیث الامام المهدي □، ج 3، ص 7)
35. امام حسن عسکری □: من ركب ظهر الباطل نزل به دار السندامة؛ هر که بر مرکب باطل سوار شود، او را در خانه پشیمانی فرود آورد. (اعلام الدین، ص 314؛ بحار الانوار، ج 78، ص 379)

- «فقر» در نقش تازیانه الهی مجسم گردیده که سوزش آن از همه تازیانه‌ها دردناک‌تر است.^{۳۶}
- «عرض و آبرو» همچون شیشه‌ای شکننده مجسم گردیده که اگر بشکند، دیگر جمع نمودنش سخت است.^{۳۷}
- «سینه خردمند» همانند صندوقی ترسیم شده که رازها و اسرار خود را در خود نهان دارد.^{۳۸}
- «همت و تلاش» را در نقش اسبی تیزتک مشاهده می‌کنیم که با آن می‌توان بر سپاه خصم یورش آورد و آن را به شکست و خذلان واداشت.^{۳۹}
- «زبان» همچون کفه ترازویی مجسم گردیده که نادانی آن را سبک و عقل آن را سنگین می‌سازد.^{۴۰}
- در تصویری دیگر، «زبان» همانند سگی هار به نمایش درآمده که اگر رهایش کنند، هر که را بیابد گاز می‌گیرد.^{۴۱}
- «کتاب» همچون بوستان‌هایی به تصویر درآورده‌اند، که علما در آن به سیاحت می‌پردازند و غرق در سرور و بهجت می‌گردند.^{۴۲}
- «دعای مظلوم» در نقش تیزترین و نافذترین تیرها مجسم گردیده که موانع را می‌شکافد و به قلب هدف اصابت می‌کند.^{۴۳}

2. تشخیص

در تعریف آن گفته‌اند:

تشخیص، شخصیت انسانی دادن به اشیا و آنها را به صورت انسان مجسم کردن است.^{۴۴}

و یا:

پوشاندن لباس انسانی بر اندام اشیا و یا هر مخلوق غیر بشری و بخشیدن صفات بشری به آنهاست.^{۴۵}

- 3.6. علی: ما ضرب الله العباد بسوط أوجع من الفقر؛ خدا بندگان را تازیانه‌ای دردناک‌تر از تنگدستی زده است. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 20، ص 301)
- 3.7. امام صادق: إذا ذُق العِرضُ أَسْتَعِيبَ جمعه؛ چون آبروی کس کوبیده و پراکنده شود، جمع آوری‌اش دشوار است. (بحار الانوار، ج 75، ص 277)
- 3.8. علی: صدر العاقل صندوق سره؛ سینه عاقل صندوق راز اوست. (بحار الانوار، ج 72، ص 71؛ غررالحکم، ج 4، ص 215)
- 3.9. علی: من ركب جده قهر ضده؛ هر که بر اسب کوشش سوار شود دشمنش را مقهور گرداند. (شرح غررالحکم، ج 2، ص 630)
- 4.0. علی: اللسان معيارُ أطاشه الجهل و أرجحه العقل؛ زبان کفه ترازویی است که نادانی آن را سبک و عقل آن را سنگین سازد. (تحف العقول، ص 207)
- 4.1. علی: اللسان كلبٌ عقورٌ أن خلیته عقر؛ زبان سگ هاری است که اگر رهایش کنی گاز می‌گیرد. (ارشاد القلوب، ج 1، ص 103؛ الاختصاص، ص 229؛ وسائل الشیعة، ج 12، ص 192؛ بحار الانوار، ج 68، ص 287)
- 4.2. علی: الكتب بساتین العلماء؛ کتابها باغ‌های علماست. (شرح غررالحکم، ج 1، ص 245)
- 4.3. علی: انفذ السهام دعوة المظلوم؛ نافذترین تیرها دعای مظلوم است. (شرح غررالحکم، ج 2، ص 395)
- 4.4. فرهنگ بزرگ سخن، ج 3، ص 1623.
- 4.5. الصورة الفنية فی التراث النقدي و البلاغی عند العرب، ص 268.

و برخی نیز آن را «مطلق زندگی بخشیدن به اشیا» دانسته‌اند.^{۴۶}

ادبا و شعرا سعی دارند تا برای اشیا غیر ذی روح خصوصیات انسانی تصور نمایند و صفات یا اعمال و یا احساساتی که ویژه انسان است به آنها نسبت دهند و به این وسیله به آنها حس و حرکت بخشند. روشن است که این شیوه در برانگیختن احساسات مخاطبان نقشی بسزا دارد؛ چرا که در قالب آن تمامی پدیده‌ها و مظاهر هستی و موجودات بی‌جان در کسوت انسان و با غرایز و صفات بشری به نمایش گذاشته می‌شوند؛ آن‌چنان که می‌توان با آنها سخن گفت و یا سخنانشان را شنید و شور و نشاط حیات را در وجودشان کاملاً احساس نمود.

شخصیت بخشیدن و به جنبش درآوردن اشیا و عناصر طبیعت موضوعی است که در روایات اهل بیت □ جایگاهی خاص و قابل توجه دارد، و در تعابیر آنان، نمونه‌های بسیاری را می‌توان سراغ گرفت که در آنها از این شیوه بدیع برای خلق صحنه‌هایی زنده و تابلوهایی جذاب استفاده شده است. تشخیص، جلوه‌های بدیعی را در روایات اهل بیت □ پدید آورده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. تشخیص موضوعات و مفاهیم دینی و اخلاقی

- در تصویری بدیع «ایمان» و «حیا» را در نقش دو دوست شفیق مشاهده می‌کنیم که چنان رشته‌های پیوندی میانشان برقرار است که هرگاه یکی از آنان به راهی رود، دوستش نیز او را همراهی می‌کند.^{۴۷}

- «عمل صالح» را همچون فردی که از ناحیه کسی به سوی سرایی رفته و آن را از هر جهت آماده اقامت و پذیرایی صاحبش می‌کند، مشاهده می‌نماییم.^{۴۸}

- «صله رحم» را در حالی می‌بینیم که به عرش الهی درآویخته و در حق کسانی که جانش را پاس داشته‌اند، دعا می‌کند و آنان که او را مورد بی‌مهری قرار داده‌اند، در حقشان نفرین می‌کند.^{۴۹}

46. *صور خیال در شعر فارسی*، ص 151.

47. امام باقر □: الحیاء و الایمان مقرونان فی قرن فاذا ذهب أحدهما تبعه صاحبه؛ حیا و ایمان دو همراهاند و در یک رشته بسته‌اند و چون یکی از آن دو برود، دیگری هم خواهد رفت. (الکافی، ج 2، ص 106؛ مشکوة الانوار، ص 233؛ تحف العقول، ص 297؛ وسائل الشیعة، ج 12، ص 166؛ بحار الانوار، ج 68، ص 331)

48. امام صادق □: ان عمل المؤمن یذهب فیمهد له فی الجنة کما یرسل الرجل غلامه فیفرش له؛ عمل مؤمن (به سوی بهشت) می‌رود و برای صاحبش جایگاهی را فراهم می‌کند؛ همان‌گونه که کسی غلامش را به (سرایی) می‌فرستد تا آن‌جا را برایش مهیا کند. (الامالی شیخ مفید، ص 195؛ عده الداعی، ص 231؛ المؤمن، ص 35؛ بحار الانوار، ج 64، ص 66)

49. امام صادق □: ان الرحم معلقة بالعرش تقول: اللهم صل من وصلنی و اقطع من قطعنی؛ رحم به عرش آویخته شده و می‌گوید: پروردگارا، با هر که مرا وصل نموده پیوند (محبت آمیز) برقرار نما و با هر که مرا قطع نموده پیوند خویش را قطع نما.

(الکافی، ج 2، ص 151؛ وسائل الشیعة، ج 21، ص 534؛ بحار الانوار، ج 23، ص 268)

2. تشخیص حالات روحی

- در تصویری شگفت، شاهد ازدواج «کسالت» با «ناتوانی» هستیم که فرزند زاده شده از این دو نیز چیزی جز فقر نیست!^{۵۰}
- در صحنه‌ای دیگر «غنا» و «عزت» را در حرکت و جنب و جوش می‌بینیم که وقتی به قرارگاه «توکل» می‌رسند، آرام می‌گیرند.^{۵۱}
- و در تصویری دیگر، «عزت» را دائماً در اضطراب و تشویش می‌بینیم تا این که پا به سرایی می‌گذارد که ساکنانش چشم طمع به دست مردم ندارند، در اینجاست که بار سفر می‌نهد و آرام و قرار می‌گیرد.^{۵۲}
- و «بخل» در قالب شخصی زشت و کریه المنظر به نمایش درآمده که هر انسانی از دیدن آن احساس تنفر می‌کند.^{۵۳}
- و «حسد» را در لباس جنایتکاری مشاهده می‌کنیم که نخست از صاحبش انتقام می‌گیرد!^{۵۴}
- و «صبر» را در چهره پیکارگری مشاهده می‌کنیم که به مبارزه با سختی‌ها رفته و آنها را از پا در می‌آورد.^{۵۵}

3. تشخیص جمادات

- «قبر» در نقش موجودی زنده به تصویر درآمده که هر روز زبان به سخن می‌گشاید و پرده از رازهای درونی خود بر می‌دارد.^{۵۶}
- و در صحنه‌ای دیگر، «قبر» را در نقش دامادی مشاهده می‌کنیم که پیکر نیکان را عروس وار در بر می‌کشد و آنان را از آلام دنیا می‌رهاند.^{۵۷}

-
50. علی □: ازدواج کسل و العجز فتح بینهما الفقر؛ کسالت و ناتوانی با یکدیگر ازدواج نمودند که از آنها فقرزاده شد. (الكافي، ج 5، ص 86؛ وسائل الشیعة، ج 17، ص 60؛ بحار الانوار، ج 75، ص 59؛ تحف العقول، ص 220)
51. امام صادق □: إن الغناء والعز يجولان، فاذا ظفرا بموضع التوکل أوطنا. (الكافي، ج 2، ص 64؛ وسائل الشیعة، ج 15، ص 212؛ بحار الانوار، ج 68، ص 126؛ مجموعة النور، ج 2، ص 185)
52. امام صادق □: لا يزال العز قلقاً حتى يأتي داراً قد استشعر أهلها اليأس مما في أيدي الناس فيوطنها؛ عزت، پیوسته بی‌قراری می‌کند تا آن که به خانه‌ای درآید که اهل آن چشم طمع به دست مردم نداشته باشند و در آن جا مستقر می‌شود. (بحار الانوار، ج 75، ص 206؛ كشف الغمة، ج 2، ص 205)
53. علی □: لو رأيتم البخل رجلاً لرأيتموه مشوّهاً يفيض عنه كل بصر و ينصرف عنه كل قلب؛ اگر بخل را ببینید، البته او را شخصی زشت و کریه المنظر خواهید دید که هر چشمی از او روی گردان و هر دلی را از او متنفر است. (غرر الحکم، ص 293)
54. علی □: لله درّ الحسد ما عدله بدأ بصاحبه فقتله؛ آفرین بر حسد! چه قدر عدالت‌پیشه است، نخست به سراغ صاحبش می‌رود و او را به قتل می‌رساند. (ارشاد القلوب، ج 1، ص 129؛ شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیث، ج 1، ص 316)
55. علی □: الصبر يناضل الحدّثان؛ صبر و پایداری، با حوادث و گرفتاری‌های روزگار مبارزه می‌کند. (وسائل الشیعة، ج 15، ص 264؛ بحار الانوار، ج 66، ص 410؛ غرر الحکم، ص 284)
56. امام صادق □: إن للقبر كلاماً في كل يوم يقول: أنا بيت الغربة، أنا بيت الوحشة، أنا بيت الدود، أنا القبر، أنا روضة من رياض الجنة، أو حفرة من حفر النار؛ قبر هر روز سخنی دارد و (آن این است که) می‌گوید: من سرای غربتم، من خانه وحشتم، من خانه کرم‌هایم، من باغی از باغ‌های بهشتم یا گودالی از گودال‌های دوزخم. (الكافي، ج 3، ص 242؛ بحار الانوار، ج 6، ص 267)
57. علی □: نعم الصهر القبر؛ چه خوب دامادی است قبر. (شرح غرر الحکم، ج 2، ص 772)

- و در تصویری بدیع و جذاب، «قلم» در نقش انسانی به نمایش درآمده که دارای عواطف بشری است و می‌خندد و می‌گرید.^{۵۸}

4. تشخیص موضوعاتی گوناگون

- «دنیا» را در تصویری شگفت، همچون انسانی مشاهده می‌کنیم که سرش کبر و چشمش حرص و گوشش طمع و زبانش ریا و دستش شهوت و پایش عجب و قلبش غفلت است.^{۵۹}

- و در تصویری دیگر، «دنیا» همچون عروسی آرایش کرده به نمایش درآمده که چشم‌ها را به خود خیره می‌کند ولی چیزی نمی‌گذرد که تمامی خواستگاران خود را به قتل می‌رساند.^{۶۰}

- و «مرگ» را در هیبت تعقیب کننده‌ای بی‌رحم مشاهده می‌کنیم که به سرعت آدمی را تعقیب می‌کند و هر آن، احتمال می‌رود تا او را به چنگ اندازد.^{۶۱} و ^{۶۲}

- و در صحنه‌ای دیگر، «مرگ» را در نقش پیکارگری مشاهده می‌نماییم که نیزه‌اش را در بدن ابنای بشر فرو می‌برد و آنان را راهی دیار ابدی می‌نماید.^{۶۳}

- و «ساعات و لحظات» همچون غارت‌گرانی به تصویر درآمده‌اند که بر عمر فرزندان آدم یورش می‌برند و آن را به تاراج می‌برند.^{۶۴}

- و «فتنه» همانند حیوانی درنده به نمایش درآمده، که به خواب رفته است، و هر که آن را بیدار کند، طمع آن قرار خواهد گرفت.^{۶۵}

58. امام صادق □: لم أر باكياً أحسن من تبسم القلم؛ هیچ گریانی را زیباتر از تبسم قلم ندیدم. (نهایة الأرب، ج 7، ص 20) در این سخن نغز، مرکب قلم به گریه و اشک چشم تشبیه شده و صدا و صریر قلم به تبسم آن مانند گردیده و هیچ گریه و تبسمی زیباتر از گریه همراه با تبسم قلم نیست.

59. امام صادق □: الدنيا بمنزلة صورة رأسها الكبر وعينها الحرص وأذنها الطمع ولسانها الرياء ويدها الشهوة ورجلها العجب وقلبها الغفلة. (مصباح الشريعة، ص 139؛ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 37؛ بحار الانوار، ج 70، ص 105)

60. علی □: احذرو هذه الدنيا الخداعة الغدارة التي قد تزینت بحلیها وفتنت بفرورها و عزت بآمالها و تشوقت لخطایها فأصبحت كالعروس المجلوة والعيون اليهناظرة والنفوس بها مشغوفة والقلوب اليها تائقة و هي لأزواجها كلهم قاتلة؛ از این دنیای فریبکار مکار بهره‌زید، همان که با زیورآتش خود را می‌آراید و با وعده‌های دروغینش فریب می‌دهد، و با آرزوهای درازش مقهور می‌سازد و خود را در خواستگاری مشتاق جلوه می‌دهد، او هم چون عروسی آرایش کرده که چشم‌ها را به خود خیره می‌کند و دل‌ها را فریفته و آرزومند خود می‌سازد جلوه می‌کند ولی (به زودی) تمامی همسرانش را به قتل می‌رساند. (بحار الانوار، ج 70، ص 108)

61. علی □: إن من ورائك طالباً حثيثاً من الموت فلا تغفل؛ به راستی از پشت سر تو جوینده سخت‌گیری چون مرگ به دنبال توست. پس غافل منشین. (شرح غرر الحكم، ج 1، ص 288)

62. امام سجاد □: یا ابن آدم! ان أجلک أسرع شیء الیک قد أقبل نحوک حثيثاً یطلبک و یوشک أن یدرکک؛ ای فرزند آدم، اجل سریع‌ترین چیزی است که به شتاب به تو رو می‌کند و نزدیک است که تو را دریابد. (الکافی، ج 8، ص 72؛ الامالی، شیخ صدوق، ص 503؛ تحف العقول، ص 294؛ مجموعة السورام، ج 2، ص 47؛ بحار الانوار، ج 6، ص 223)

63. علی □: الموت بکم نزول تنتزل فیکم منایاه؛ مرگ بر شما فرود می‌آید و نیزه‌هاش را در شما فرومی‌برد. (الکافی، ج 8، ص 170)

64. علی □: الساعات تنهب الأجال؛ ساعات‌ها اجل‌ها را به غارت می‌برند. (شرح غرر الحكم، ج 1، ص 186)

65. امام صادق □: من یقظ فتنه فهو أکله؛ هر که فتنه‌ای را بیدار سازد، خود طمع آن می‌شود. (بحار الانوار، ج 75، ص 208؛ کشف الغممة، ج 2، ص 207)

- و «چشم‌ها» در نقش جاسوسانی به تصویر در آمده‌اند که هر چه مشاهده می‌کنند، خبرش را برای دل‌ها می‌آورند تا در آنها تفکر کنند.^{۶۶}

- و «تفکر» در نقش پدر و مادر تمامی خوبی‌ها و نیکی‌ها به تصویر درآمده است.^{۶۷}

3. تخییل

تخییل در لغت، به معنای به خیال انداختن،^{۶۸} یا به عبارتی، خیال و تصویر و نمای چیزی را در اندیشه و ذهن دیگران آفریدن است.

صاحب *الطراز*، تخییل را در شمار صنایع بدیع به شمار آورده و در تعریف آن گفته است:

تخییل، تصویر حقیقت چیزی است به گونه‌ای که گمان برده شود آن چیز داری صورتی قابل مشاهده است و از اموری است که به دیدار درمی‌آید.^{۶۹}

وی تخییل را نوعی شخصیت بخشیدن به معانی و مفاهیم دانسته و اساس آن را تشبیه غیر محسوس به محسوس می‌داند.^{۷۰}

زملکانی هم تخییل را شیوه‌ای برای مصور جلوه دادن حقایق دانسته، می‌گوید:

تخییل تصویر نمودن حقیقت یک شیء است به گونه‌ای که گمان برده می‌شود آن حقیقت دارای صورتی قابل مشاهده است و در مقابل دیدگان ظاهر گردیده است.^{۷۱}

در واقع، هنر وقتی جلوه می‌کند که خیال در کار باشد و این عنصر را می‌توان از مهم‌ترین عناصر هنر به شمار آورد.^{۷۲}

هنر واقعی ادبا و شعرا در آن است که به جای تعبیراتی مستقیم از حقیقت اشیا آنها را در قالب‌هایی بدیع و مصور و خیال انگیز عرضه می‌دارند؛ آن‌چنان که توسن فکر را در پهن دشت خیال به جولان در می‌آورند و انسان را به عالمی از نشاط و سرور منتقل می‌سازند.^{۷۳}

یکی از محققان درباره نقش مهم خیال در تصویر آفرینی می‌گوید:

خیال، قدرتی است که با آن می‌توان نادیدنی‌ها را مشاهده کرد و به وسیله آن، امور غایب را حاضر نمود و دیدنی‌ها و صورت‌های ذهنی و موضوعات گوناگون را با یکدیگر الفت داد؛ آن‌چنان که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به عالمی دیگر منتقل می‌سازد. خیال،

66. علی □: العیون طلائع القلوب؛ چشم‌ها جاسوسان دل‌هایند. (شرح غرر الحکم، ج 1، ص 110)

67. امام حسن □: اوصیکم بتقوی الله و اذامه التفکر، فان التفکر ابوکل خیر و امه؛ شما را به تقوای الهی و تداوم تفکر سفارش می‌کنم، زیرا تفکر پدر و مادر تمامی نیکی‌هاست. (مجموعه الورا م، ج 1، ص 52)

68. فرهنگ فارسی، ج 1، ص 1054.

69. الطراز، ج 3، ص 4.

70. همان، ج 3، ص 3.

71. التبیان فی علم البیان، ص 178.

72. اسلام و هنر، ص 26.

73. بنگرید به: فی النقد الادبی، شوقی ضیف، ص 168 - 171؛ الصورة الادبیة فی القرآن الکریم، ص 25؛ السالیب البیان فی القرآن، ص 273 و 274.

میدان‌های وسیعی از حقایق حیات بشری و پدیده‌های متنوع جهان هستی، در برابر ذهن می‌گشاید.

خیال را می‌توان همچون نواری دانست که ادبا به وسیلهٔ آن، تصاویری از حوادث گذشته، حال و آینده و تصاویری از زندگی ملت‌ها و ویژگی‌های آنان را از جنبه نوع تفکر و رفتار و مناسباتشان در برابر خوانندگان خود به نمایش می‌گذارد.^{۷۴}

در میان روایات ائمه هدی □ می‌توان شاهد تابلوهای بدیع و باشکوهی بود که صحنه‌های زیبا و جذابش، حس و خیال انسان را بر می‌انگیزد و تصاویر بی‌مانندش، مرغ خیال را در افق‌هایی دور دست به پرواز درمی‌آورد.

در اینجا نمونه‌هایی را از تصاویر خیال‌انگیز و تابلوهای زنده و جذابی که در لابه لای روایات اهل بیت □ خودنمایی می‌کند، به نظاره می‌نشینیم:

– علی □ در تابلویی زیبا و خیال‌انگیز، دانش و حکمت و جایگاه دانشمندان و حکما و عرفا را این‌گونه به نمایش می‌گذارد:

دانش، نه‌ری و حکمت، دریایی است، دانشمندان در پیرامون نهر می‌گردند و حکما در میان دریا به شناگری و غوازی (گوهر معانی) مشغول‌اند و عرفا در کشتی نجات نشسته و سیر می‌کنند.^{۷۵}

– در تابلویی دیگر، شاهد صحنه‌هایی بدیع و روح‌پروریم که امیرمومنان علی □ با بهره‌گیری از قوهٔ خلاقه و تخیل گسترده خویش به خلق آن مبادرت ورزیده است:

جهان باغی است، سیاحت آن شریعت است و شریعت، سلطانی است که فرمان‌برداری آن لازم است و فرمان‌برداری، سیاستی است که زمامداری بدان قوام می‌گیرد و زمامدار، چوپان و نگهبانی است که لشکر، کمکش می‌دهند و لشکر یارانی هستند که مال کفالت امور آنان را عهده دار است.^{۷۶}

– در یکی دیگر از روایات بدیع آن حضرت، می‌توان نظاره‌گر این تصویر شگفت و بی‌بدیل بود:

خداوند متعال در هر لحظه سه لشکر دارد: لشکری که از صلب پدران به رحم مادران می‌ریزند و لشکری که از رحم مادران به زمین وارد می‌شود و لشکری که از دنیا به آخرت کوچ می‌کنند.^{۷۷}

– در صحنه‌ای دیگر، امام سجاد □ با خلق تصویری بدیع و با استفاده از کلید کلماتش در پیچه روح آدمی را گشوده و پرنده خیال را در افقی بیکران به پرواز درآورده است:

74. البلاغة و التحلیک الادبی، احمد ابوحافه، ص 296.

75. العلم نهر و الحکمه بحر و العلماء حول النهر یطوفون و الحکماء وسط البحر یغوصون و العارفون فی سفن التجاه یخوضون. (المستطرف، ج 1، ص 19؛ شرح الکافی، ملا صالح مازندرانی، ج 2، ص 61؛ آثار الصادقین، ج 13، ص 496)

76. العالم حدیقة سیاحتها الشریعة و الشریعة سلطان تجب له الطاعة و الطاعة سیاسة یقوم بها الملک و الملک راع یعضده الجیش و الجیش اعوان یکفلهم المال. (بحار الانوار، ج 75، ص 83)

77. لله تعالی کل لحظه ثلاثة عساكر، فعسکر ینزل من الاصلاب الی الارحام و عسکر ینزل من الارحام الی الارض و عسکر یرتحل من الدنیا الی الآخرة. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 20، ص 319)

در بین شب و روز گلستانی وجود دارد که نیکوکاران (با تهجد و عبادت خود در شبانه روز) در پرتو انوار آن سیاحت می‌کنند و پرهیزکاران در باغ‌های آن مستنعم می‌شوند.⁷⁸

- و در نمونه‌ای دیگر، امام صادق ع در تصویری خیال‌انگیز، انسان‌های خودکامه و مستبد را - که وقعی به آرا و نظریات دیگران نمی‌گذارند - همچون فردی به نمایش گذاشته که بر لب پرتگاهی هول‌انگیز ایستاده و هر لحظه در معرض لغزش و سقوط در دره‌ای مخوف است:
خودکامه و مستبد در رأی خویش، بر لب پرتگاه‌های لغزش قرار گرفته است.⁷⁹

نتیجه

از آنچه گذشت، به وضوح، روشن می‌شود که ائمه هدی ع با بهره‌گیری از شیوه مجسم ساختن معانی، معارف بلند و ژرفی را در سطح فهم همگان تنزل بخشیده و با ترسیم دقیق حقایق در تصاویر و صحنه‌هایی زنده، معنویات را به قلمرو محسوسات درآورده‌اند و تابلوهای بدیعی آفریده‌اند که در پشت تصاویر و صحنه‌های بدیع آن به وضوح، قوه خلاق و نیروی ابداع‌گر آفریننده آنها به چشم می‌خورد.

کتابنامه

- آثار الصادقین، صادق احسان‌بخش، تهران: ستاد برگزاری نماز جمعه، 1371 ش.
- الاختصاص، محمدبن نعمان العکبری (شیخ مفید)، قم: کنگره شیخ مفید، 1413 ق.
- اسالیب البیان فی القرآن، سیدجعفر حسینی، تهران: موسسه الطباعة و النشر، 1413 ق.
- اسلام و هنر، محمود بستانی، ترجمه: حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1371 ش.
- ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، قم: موسسه آل‌البتیت، 1408 ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1365 ش.
- اعلام الدین، حسن بن ابی الحسن دیلمی، قم: موسسه آل‌البتیت، 1408 ق.
- الامالی، محمد بن نعمان العکبری (شیخ مفید)، کنگره شیخ مفید، 1413 ق.
- الامالی، محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران: انتشارات کتابخانه اسلامی، 1362 ق.
- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1403 ق.
- البلاغة و التحلیل الادبی، احمد ابوحاقه، بیروت: دارالعلم للملایین، 1993 م.
- التبیان فی علم البیان، ابومکارم ابن زملکان، تحقیق: احمد مطلوب، بغداد، بی‌نا، 1964 م.

78. ان بین الليل و النهار روضة يرتع فی نورها الأبرار و يتنعم فی حداثتها المتقون. (ارشاد القلوب، ج 1، ص 83)
79. المستبد برأيه موقوف علی مداحض الزلزل. (اعلام الدین، ص 304: مستدرک الوسائل، ج 8، ص 342: بحار الانوار، ج 72، ص 105)

- *تحف العقول*، حسن بن شعبه حرّانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1404ق.
- *التصویر الفني في الحديث النبوي*، محمد بن لطفی صباغ، بیروت: المکتب الاسلامی، 1409ق.
- *التصویر الفني في القرآن*، سید قطب، مصر: دارالشروق، بی‌تا.
- *تمهید في النقد الحديث*، روز غریب، بیروت: دارالمکشف، 1971م.
- *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعة الورام)*، مسعود بن عیسی ورام، بیروت: دارصعب و دارالعارف، بی‌تا.
- *التوحيد*، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1398ق.
- *ثواب الاعمال*، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: انتشارات شریف رضی، 1364ش.
- *جامع الاخبار*، تاج الدین شعیری، قم: انتشارات رضی، 1363ش.
- *الخصال*، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1403ق.
- *روضه الواعظین و بصیرة المتعلمین*، محمد بن احمد قتال نیشابوری، قم: انتشارات دلیل ما، 1423ق.
- *شرح نهج البلاغه*، عزالدین ابو حامد ابن ابی الحدید، بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1965م.
- *شرح غرر الحکم*، جمال الدین محمد خوانساری، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، بی‌تا.
- *شرح اصول کافی*، محمد صالح مازندرانی، بی‌جا، بی‌تا.
- *صور خیال در شعر فارسی*، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگاه، هشتم، 1380ش.
- *الصورة الادبية في القرآن الكريم*، صلاح الدین عبدالنواب، بیروت: مکتبه اللبنان ناشرون، 1995م.
- *الصورة الفنية في التراث النقدي و البلاغي عند العرب*، جابر عصفور، بیروت: المركز الثقافي العربی، 1992م.
- *الصورة الفنية في المثل القرآني*، محمد حسین علی الصغیر، بیروت: دارالهادی، 1412ق.
- *الصورة الفنية في الحديث النبوي الشريف*، احمد یاسوف، دمشق: دارالمکتبی، 2006م.
- *الطراز*، یحیی بن حمزه علوی یمنی، بیروت، مکتبه العصریة، 1442ق.
- *عده الداعي*، ابن فهد حلّی، قم: دارالکتاب الاسلامی، 1407ق.
- *عوالي اللآلی*، ابن ابی جمهور احسائی، قم: انتشارات سیدالشهدا، 1405ق.
- *غرر الحکم و درر الکلم*، عبدالواحد بن محمد آمدی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1366ش.
- *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، ابن حجر عسقلانی، بیروت: دارالفکر، 1420ق.

- فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، تهران: انتشارات سخن، دوم، 1382ش.
- فرهنگ لغت دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، 1373ش.
- فی النقد الادبی، شوقی ضیف، قاهره: دارالمعارف، 1966م.
- کتاب المؤمن، حسین بن سعید اهوازی، قم: مدرسه الامام المهدي، 1404ق.
- كشف الغمة، علی بن عیسی اربلی، تبریز: مکتبه بنی هاشم، 1381ش.
- مستدرک الوسائل، میرزاحمدعلی نوری، قم: موسسه آل البيت، 1408ق.
- المستطرف فی کل فن مستطرف، احمد بن محمد ابشیهی، بیروت: دارمکتبه الهلال، 2001م.
- مشکاة الانوار، ابوالفضل علی بن حسن طبرسی، نجف: کتابخانه حیدریه، 1385ق.
- مصباح الشریعة، قم: موسسه الاعلمی للمطبوعات، 1400ق.
- معانی الاخبار، شیخ صدوق، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1361ش.
- معجم احادیث الامام المهدي، علی کورانی، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، 1411ق.
- مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم: انتشارات شریف رضی، 1412ق.
- المصنف، ابی بکر عبدالرزاق، بیروت: المجلس العلمی، بی تا.
- منیة المرید، زین الدین عاملی (شهید ثانی)، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1409ق.
- نهایة الأرب فی معرفه انساب العرب، احمد بن علی قلقشندی، قاهره: دارالکتاب المصری، 1411ق.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، قم: موسسه آل البيت، 1409ق.
- الوافی، محمد بن مرتضی فیض کاشانی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی، بی تا.